

## ترس و لرز یک سپهبد از رویارویی با رضاشاه

۵ شهریور ۱۴۰۱ ساعت ۱۴:۵۸

سپهبد امیراحمدی پیش از مواجهه با رضا شاه: از اینکه برخلاف معمول پیشخدمت خیلی دیر آمد، تصور کردم که اشخاصی را قبلاً برای کشتن من آماده کرده‌اند و چون دیر آمده‌ام، رفته‌اند و حالا دوباره با تلفن آنها را خواسته‌اند.

استبداد حکومتی باعث شده بود تا بسیاری از نزدیکان رضا شاه نیز علیرغم خوش خدمتی به شاه و حکومت، در مواقعی قدرت رویارویی با او را نداشته باشند. چنانچه بسیاری از فرماندهان برجسته نظامی نیز در مواقعی دچار این ترس و لرز می‌شدند: «با اینکه معمول رضاشاه این بود که از غروب استراحت و رفع خستگی می‌کردند، یک شب زمستانی که دیروقت هم به منزل آمده بودم، گفتند: شاه احضار کرده است. ساعت ۱۱ شب بود که با ترس و لرز به دربار رفتم. وقتی به دربار رسیدم، پیشخدمت گفت: مدتی است اعلیحضرت در انتظار شما هستند. گفتم: عرض کنید که حاضر است. پیشخدمت رفت و در حدود بیست دقیقه طول کشید که بازگشت. در این بیست دقیقه صدگونه تخیل و تفکر کردم و حتی از اینکه برخلاف معمول پیشخدمت خیلی دیر آمد، تصور کردم که اشخاصی را قبلاً برای کشتن من آماده کرده‌اند و چون دیر آمده‌ام، رفته‌اند و حالا دوباره با تلفن آنها را خواسته‌اند. این فکر هم برایم آمد که ممکن است در اتاق‌های بالا تهیه می‌بینند که تا وارد شوم دستگیر و نابودم کنند و باز فکر می‌کردم که معطلی برای این است که سرلشکر بودرجمهری را با تلفن خواسته‌اند و منتظرند بیاید و مرا تحویل او بدهند که به باغشاه ببرد و صبح تیرباران کنند.»

منبع: احمد امیراحمدی، خاطرات نخستین سپهبد ایران، غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۸۸۹/ترس-لرز-یک-سپهبد-رویارویی-رضاشاه>